

● نامه یا مقاله‌ای که تحت عنوان «حجاب در آلمان» ملاحظه می‌کنید، از سوی دکتر شهرام ایرانبومی برای روزنامه اطلاعات بین‌المللی فرستاده شده است.

دکتر شهرام ایرانبومی و کیل دادگستری در دادگاه‌های آلمان است و تحصیلات خود را در رشته حقوق در دانشگاه‌های «آلمان» و «ژنو (سوئیس)» و آکسفورد «انگلیس» به پایان برده. او در سازمان ملل متحد و مجلس اروپا فعالیت‌های خود را در زمینه دفاع از حقوق خارجی‌ان شروع کرده و از طرف نمایندگان مجلس ایالت هسن به همکاری دعوت شده است.

همچنین از سوی ریچار فون وایتسکر «رئیس جمهور سابق آلمان» به‌خاطر خدمات و فعالیت‌های دکتر ایرانبومی، لوح افتخار به ایشان اهدا شده است. دکتر ایرانبومی در کنار فعالیت‌های حقوقی و اجتماعی خود، کتابها و مقالات متعددی را منتشر کرده است که از میان آنها می‌توان به کتابها و مقالاتی با نامها و عناوین:

Einwanderungsland Deutschland
کشور مهاجرتی آلمان
Lugend und Gewalt
جوانان و جبر:
Moralzerfull in der Industriegesellschaft:
ر کود اخلاقی در جامعه صنعتی
Akulturation und Ihre Folgen
für die Einwanderer
یادآوری می‌شود که در نشست سالانه انجمن وکلای آلمان در «بخش قوانین خارجی‌ان و پناهندگی» که در شهر کلن برگزار شد، برای اولین بار یک وکیل غیر آلمانی در هیئت مدیره این انجمن انتخاب شد. این وکیل، دکتر شهرام ایرانبومی است و کار این انجمن نیز تدریس و کلا و آشنا کردن آنها با تغییرات قوانین و تصمیمات دادگاهها و بالا بردن سطح کیفیت مشاوره حقوقی در قسمت قوانین خارجی‌ان، پناهندگی و کسب تابعیت آلمانی است و همچنین از کارهای دیگر این انجمن مشاوره با مجلس برای تغییر و نوگرانی در قوانین فوق‌الذکر است. اکنون نوشته‌ی دکتر ایرانبومی را می‌خوانیم:

دادگاه دیوان عالی آلمان در تاریخ ۲۵ سپتامبر سال ۲۰۰۳ در خصوص پرونده شماره 2BvR 1436/03 در تصمیم‌گیری و پاسخ به شکایتی که از طرف یک بانوی فارسی‌زبان مسلمان علیه دولت ایالتی بادن وورتنبرگ آلمان به علت ممانعت از استخدام او به عنوان آموزگار مدرسه دولتی به‌خاطر داشتن روستری در دادگاه مطرح شده بود، عمل وزارت آموزش و پرورش (این ایالت) را غیر قانونی شمرده است. این تصمیم دیوان عالی کشوری را می‌توان گام مهمی در جهت از بین بردن تعصب مذهبی و نژادی به حساب آورد، که اثرات فراوانی در رابطه با ترکیب جامعه و حق اقلیت‌های مذهبی و نژادی نه تنها در آلمان بلکه در دنیای غرب خواهد داشت.

دولت آلمان روستری سر کرده است. «مخالقین» استخدام بانویی که قصد داشت بعنوان آموزگار دولتی (دولت ایالتی آلمان) شروع به کار کند بر این عقیده بودند که از طرفی رفتار یک معلم که کارمند دولت است رفتار دولتی تلقی می‌شود و اگر آموزگار دولتی روستری به‌سر کند همانند آن است که دولت خود روستری به‌سر کرده است.

دولت آلمان روستری سر کرده است. «مخالقین» استخدام بانویی که قصد داشت بعنوان آموزگار دولتی (دولت ایالتی آلمان) شروع به کار کند بر این عقیده بودند که از طرفی رفتار یک معلم که کارمند دولت است رفتار دولتی تلقی می‌شود و اگر آموزگار دولتی روستری به‌سر کند همانند آن است که دولت خود روستری به‌سر کرده است.

اهل دانش، اهل هنر، اهل سیاست. ادوارد سعید بی‌گیر اما خردگرا، مشتاق اما آشتی‌ناپذیر، خلاق اما وفادار، از این زمین به آن زمین می‌رفت و نهایی می‌نشاند و به زودی تبدیل شد به باغبان بوستانی که سایه بلند حرمت انسانی را در همه زمین‌های دانش اجتماعی که در آن تخصص داشت، گسترش داده بود. شگفتا در جهانی که دانش، هنر و سیاست ناگزیرند دردمندان از هم فاصله بگیرند، در جهانی که بیونده هر یک از اینها با دیگری یار دالت آفریده یاب مایگی، چطور ادوارد سعید می‌توانست استاد توانای ادبیات تطبیقی، متخصص ادبیات انگلیسی، کارشناس برجسته سیاسی، بیانیست و منتقد موسیقی باشد بی آنکه خرج یکی را از حساب دیگری بدهد. نه زیبایی را در هنر به پای «اعتقاد» فدا کند، نه عدالت را در سیاست به پای «عقل» زیر پا بگذارد و نه خرد را در علم به خاطر «سیاست» قربانی کند؟

راژ سعید، همدردی او با انسان زمانه خودش بود. او در همه جا «انسان را مسرعات می‌کرد»، و از این رو می‌توانست توازن انسانی را در نگاهش به علم، سیاست و هنر حفظ کند و کمال خود در دانش را با احساس زیبایی بشر دوستی بیامیزد و همه زمین‌های اندیشه اجتماعی را آبیاری کند.

مسیحی زاده‌ای که مسلمانان آمریکا در وجود او تکیه‌گاه استواری پیدا کرده بودند و یهودیان در میان بهترین دوستانش بودند، یک آمریکایی که برای حقوق ملی مردم فلسطین تا به آنجا تلاش کرد که توتل‌های اسرائیل او راستهم کردند که هویتش جعلی است و زادگاهش را بی آنکه خاطر‌های از آن داشته باشد وسیله بازاریابی برای عقاید و آثارش کرده است. از طریق مذهب و ملت به مردم وصل نمی‌شد، در نگاهش به جهان عزت انسان بالاتر از هر چیز بود و رعایت آن معیار حقیقت. مهر روزی و

ادوارد سعید؛ پیوند دانش و اخلاق

سوسن آرام

صلیب آیزن‌مان می‌کنند اجازه کار داده و آنها را استخدام نموده است، این دختر (مسلمان) نیز حق برابر با دیگران را دارد. یعنی به او نیز حق استخدام و تدریس در مدارس دولتی باید داده شود. در صورتی که دولت به این شخص که روستری بر سر دارد حق اشتغال به تدریس را ندهد حق این اقلیت مذهبی (اسلام) را در آلمان زیر پا گذارده و به این ترتیب حق آزادی دین و عقیده را که یکی از ارکان مهم جوامع بشری است در نظر نگرفته است. طبق نظر به موافقین استخدام شخص فوق‌الذکر، دولت ایالتی آلمان با ممانعت از استخدام وی در حقیقت نوعی قشری‌گری مذهبی (فوندامنتالیسم) را رواج می‌دهد که خود در واقع می‌بایستی با آن مبارزه کند.

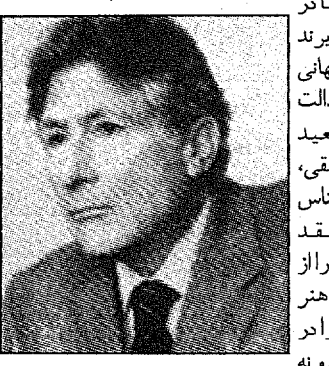
اسلام و حجاب. از طرف دیگر «موافقین فقهی» بر این عقیده‌اند که

پوشش زن در اسلام برای این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. البته در آیات مربوطه لغت حجاب بکار نرفته است. آیاتی که در این باره است چه در سوره مبارکه احزاب، حدود پوشش و تماس‌های زن و مرد را ذکر کرده است، بدون آنکه کلمه حجاب را بکار برده باشد. آیه‌ای که در آن کلمه حجاب بکار گرفته، مربوط به زنان پیغمبر اسلام است. حجاب در اسلام از یک مسئله کلی‌تری و اساسی‌تری ریشه می‌گیرد تا آنچه ظاهر اجماع غربی از آن برداشت می‌نمایند. و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر به محیط خانوادگی و در کنار ازدواج قانونی اختصاص یابد و اجتماع منحصرأ برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر، که کار و فعالیت را با لذت‌جوئی‌های جنسی به هم می‌آمیزد. اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.

طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلپاخته و در دام علاقه به خود اسیر سازد. بر سر کردن یک تکه پارچه با یک گره زیر گلو می‌تواند طبق عقیده زنان متعدد محجبه در اروپا برای زن فریادی بی‌صدا علیه استبداد و یا استعمار باشد. در این مبارزه برنده یا بازنده وجود ندارد، زیرا که کسی که بنابر عقیده خود جهاد می‌کند هیچگاه در نظر خود بازنده نیست.

حق گرفتاری است. بانوی فارسی‌زبان مسلمان که قصد استخدام در وزارت آموزش و پرورش ایالتی آلمان را داشت و به علت داشتن روستری او را دولت از استخدام منع کرده بود، حق خود را توضیح شده می‌دید و در دادگاه اداری شهر مربوطه شکایت خود را مطرح کرد. این دادگاه حق را به دولت داد. شایکی که هنوز بارأی دادگاه موافق نبود، علیه‌رای دادگاه به دادگاه بالاتر اداری شکایت کرد. در این مرحله نیز مجدداً این بانوی فارسی‌زبان که معتقد بود روستری او جزوی از هویت جدانشدنی او است و می‌خواست با روستری در مدارس دولتی آلمان تدریس کند، از رأی دادگاه تجدیدنظر به دادگاه عالی اداری کشور شکایت برد. در این دادگاه نیز آرای صادره قبلی تأیید شد. نهایتاً بانوی مذکور شکایت را در دیوان عالی کشور آلمان مطرح کرد. دادخواهی نمود. از آن جهت که حق گرفتاری است، این بانو که حق خود را پامال شده می‌دید، تصمیم بر آن داشت که به‌هر ترتیبی از حقی که برای هر انسانی وجود دارد استفاده کند و بتواند طبق قوانین مذهب خود در چهارچوب قانون اساسی زندگی بکند. زیرآشمشیر عدالت برهنه‌تر از هر شمشر دیگری است. و این بار، دیوان عالی کشوری، پس از بررسی‌های دقیق، اقدام به صدور رأی به نفع مشارالیها کرد.

تساهل و تعامل. در این تصمیم دادگاه دیوان عالی کشور آلمان، مسائل متعدد اجتماعی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است که از آن میان می‌توان بطور خلاصه به نقش دولت و خانواده در «دهکده جهانی» اشاره کرد. با توجه به اینکه تربیت فرزندان حق طبیعی پدر و مادر است و والدین می‌باید در چهارچوب قانون بدون محدودیت فرزندان خود را با عقیده و ایمانی که اعتقاد بیاورند، و از طرف دیگر در دنیایی که تکنولوژی و علم هر روز در حال پیشرفت است و تقریباً هیچ‌چیز پدر و مادری را در این کره خاکی نمی‌توان یافت که بتوانند فرزندان خود را متناسب با تحولات علمی، تکنولوژی و معنوی دنیای «بیست مدرن» به تنهایی و بدون کمک دیگران تربیت نمایند و فرزندان را برای این نوع زندگی و حل مشکلات



و هم منطقی دست پیدا کند. و چشم اندازهای بزرگ و امیدبخش را نوید بدهد. تلاشش برای گسترش پیوند دوستی بین مردم اسرائیل و فلسطین و ایجاد حسن احترام متقابل به حقوق هر دو طرف، نمونه روشن این ویژگی سعید در حوزه سیاست بود. و تلاشش برای حفظ گنجینه‌های هنر - که از نظر او همیشه جوهر انسانی دارد - از آلودگی‌های حال و گذشته انسان، نمونه این ویژگی در حوزه هنر.

همین امر در برخوردهای عاطفی او خود را به نمایش می‌گذاشت. وقتی که بار دالت، حسابگری‌های پست، و ستمبرگان روبرو می‌شد، فقط نفرت نشان نمی‌داد. بلکه حریت هم می‌کرد: «چرا باید این قدر سقوط کرده؟» «چرا از عزت و حرمت انسانی خودتان پاسداری نمی‌کنید؟» و وقتی با ستم‌دیدگان روبرو می‌شد احساس همدردی داشت، اما از «ترحم» بیزار بود: «حقیقت را باید گفت اما چرا آیه؟ چرا ندیده؟ شما باید حجاب‌نیت و توانایی‌های واقعی خود را کشف کنید و از عزت و حرمت انسانی خود دفاع کنید.»

«همان معیار و همان اصول در برخورد با دوست و دشمن، بی آنکه دوست و دشمن را قاطی کنید، به خرد بالا و اخلاق والا نیازمند است. این ترکیب به همان اندازه که به استدلال‌هایت خصلت منطقی و معقول می‌دهد، در جاتان، زیر بوستان شعله عاطفه و احساس را مشتعل می‌کند.»

شاید به همین دلیل دوستش الکساندر کاکابورن در سوگش نوشت: «بوستش هرگز کلفت نمی‌شد» و به یاد آورد:

چطور سعید از دیدن دوستان و ابراز محبت‌ها هرگز خسته نمی‌شد و با هر دیدار تازه و محبت تازه با همه وجود به وجد می‌آمد، همانطور که هرگز از زخمی شدن از هر ناسزای جدید باز نمی‌ایستاد، و هر فرصت طلبی دوباره‌ی دوستان ظاهری، هر کتاب و عمل و اثر ضد انسانی تازه‌ای، او را از نو جرعه‌دار می‌کرد.

مقالات

جامعه‌ی عصر جدید آماده‌سازند، امروزه دولت مقتدر و وظیفه‌خیزی در کنار والدین برای تربیت نسل جوان دارد. فرزندان هر کشوری همانند قسمتی از سرمایه ملی آن کشورند و دولت موظف است در حفظ و رشد آن بهترین نحو ممکن انجام وظیفه کند، در دنیایی که کمتر از یک لحظه شخصی از شرق به غرب یا از جنوب به شمال بوسيله اینترنت می‌تواند سفر کند و مسئله زمان و مکان تقریباً در حال حل شدن است و با توجه به اینکه در این دنیای «بیست مدرن» انسان‌ها با اعتقادات و فرهنگ‌های متفاوت روبرو هستند، امروزه بر خورد تمدن‌ها منجر به پدید آمدن مشکلاتی می‌شوند که انسان‌ها باید توانایی روبروشدن با این چالش‌ها را داشته باشند.

ملت‌ها محل برخورد عقاید دولت ایالتی آلمان از ترس اینکه مادر و پدرها با

حجاب در آلمان

دکتر سید شهرام ایرانبومی و کیل دادگستری در دادگاه‌های آلمان و عضو انجمن حقوق‌دانان آمریکا و آلمان

روستری این معلم مشکل پیدا نکنند دولت مجبور شود که محل و امکانات دیگری برای شاگردان و والدین ناراضی تهیه نماید، در واقع تصمیم به جلوگیری از اشتغال معلم با روستری گرفته بود، ولی همانطور که در بقیه قوانین آلمان دولت موظف است فقط هنگامی که مشکل بطور واقعی وجود آمده آن را حل کند، نمی‌تواند روی فرضیه‌ای که ممکن است بین خانواده‌ها، مدرسه و معلم روستری به سرپیش بیاید اشتغال این شخص جلوگیری کند. مدرسه محل برخورد عقاید مختلف است که با برخورد آنها «سنتر» جدیدی بوجود می‌آید که حتی می‌تواند یک ایده‌بهرتری را بوجود آورد که همان تساهل است. فراتر از مشکل نباید راه‌حل حکومت مقتدر باشد، بلکه قانونگذار باید برای حل مشکل سعی به تعیین قانون مناسبی بکند که در حالیکه دولت بیطرف است امکان و شانس برابر برای معتقدان به مذاهب و نژادهای مختلف بوجود آورد.

حقوق بشر از ایران زمین است. نقش دولت در این راستا در دنیای جهان شمولی امروزه که انواع مختلف رنگ و نژاد، دین و مذهب و اعتقادات در هر جامعه‌ای در کثرت است، می‌تواند این باشد که شرایط آن صلح و صفایی را که همه آحاد و اقزاد جامعه با وجود عقاید گوناگون بتوانند در سایه آن به همزیستی مسالمت‌آمیز در جهت صلح و آرامش بپردازند، بوجود آورد. حضرت محمد صدر اسلام نیز با انتخاب بالاحیثی که هم از نژاد تیره بود و گویا لکن‌ت‌زبان هم داشت برای اذان‌گویی در مسجد انتخاب کردند و حضرتش با این انتخاب خط بطلانی بر تعصبات موجود آن زمان کشیدند و به همین ترتیب و با روش مسالمت‌آمیز آن حضرت به حل مشکلات مذاهب و عقاید مختلف در مدینه کوشا بودند. در هر دورانی رهبران مقتدری بوده‌اند که توانسته‌اند جامعه‌ای را از هیبرتی نمایند که ادیان و مذاهب مختلف در کنار یکدیگر با همزیستی مسالمت‌آمیز زندگی کنند. از جمله این رهبران سیاسی که تاریخ چند هزار ساله ایران زمین گویای آن است کوروش کبیر است. طبق روایتی که در تورات نوشته شده کوروش کبیر پادشاه ایران زمین اسرای یهودی را از بیوغ ستم و آزار آزاد کرد و به آنها آزادی عطا نمود. اولین بار در تاریخ بشری همین پادشاه ایران زمین بود که منشوری اعلام کرد که بر اساس آن بدون توجه به مذهب و عقیده به تمامی مردمی که در این سرزمین زندگی می‌کردند حق و حقوق برابر داده می‌شد. این منشور حقوق بشر کوروش، اولین قانون حقوق بشر است که در جهان وجود دارد.

آلمان و مهاجرین. کشور آلمان از خیلی وقت‌های پیش، دیگر کشوری نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بندوبار، هیجانها و التهاب‌های جنسی را افزودنی می‌بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع‌نشده می‌آورد. غریزه جنسی، غریزه‌های نیرومند، عمیق و «دریافت» است، هر چه بیشتر اطاعت شود سرکش‌تر می‌گردد، همچون آتش که هر چه به آن بیشتر خوراک بدهند، شعله‌ورتر می‌شود. علت اینکه در اسلام دستور پوشش به زنان اختصاص یافته است این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها مرد شکار است و زن شکارچی. همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی از این نوع حسن شکارچی‌گری او ناشی می‌شود. این زن است که به حکم

نیست که فقط به عنوان یک کشور مسیحی بتون از آن نام برد. در سال ۱۹۷۵ نماینده کلیسای پروتستان به طور علنی اعلام داشت که این واقعیت است که اسلام جزو واقعیت زندگی مردم اروپا است، در ابتدا رابطه ما بین دو مذهب مسیحی و اسلام در آلمان بطور خشن بود. بعد از مهاجرت کلر گران ترک، عرب و پناهجویان ایرانی و افغانی این رابطه خشن کم‌کم به یک رابطه «متعصبانه» مبدل شد. اکثریت شهر و نلدان سفیدپوست آلمان دارای منتهی مسیحی بودند و اغلب مهاجرین ترک، عرب، ایرانی و افغانی که دارای مو و پوست تیره بودند از خانواده‌های مسلمان بودند. با توجه به مشکل تذاوریستی در آلمان که مهاجران مورد آذیت و آزار قرار می‌گرفتند اعتقادات دینی آنها هم برای آن دسته از آلمانیها که نگاه مثبت به مهاجرین نداشتند یکی از علل تعصب و بی‌احترامی به آنها بود. تعصب مذهبی هم، مانند یک حجاب بر روی عقل و فکر، باعث می‌شود که دیدشخص به‌دیگر آن مثبت نباشد و باعث فاصله هر چه بیشتر بین آنها می‌گردد. مهاجرت سبب مسائل مختلفی می‌شود که یک قسمت آن مسائل حقوقی است. مهاجران در خیلی از مواقع بیشتر و سخت‌تر از شهر و نلدان غربی مشغول به کارند و کم‌کم به حرکت چرخ اقتصادی این کشور‌ها می‌کنند. آنها با پرداخت مالیات خود و یا حتی با خرید کردن خود به خزانه ملی کمک می‌کنند و در خیلی از مواقع دارای حقوق برابر همانند شهر و نلدان دیگر هستند. دادگاه و عدالت اجتماعی. تا زمانی که قانونگذار به تدوین قوانین مناسبی مبادرت نکرده است و مشکلات امروزه با قوانین دیرپوزی باید حل شود، حقوق‌دان وظایف خطیری به عهده دارند که با مطالعه دقیق قوانین مربوطه و ارائه طریق حقوقی برای حل مشکلات حاصل از تحولات اجتماعی، کوشا باشند. بویژه دادگاه‌های عالی در کشورهای غربی در بسیاری از موارد توانسته‌اند برای جلوگیری از تبعیض بین مهاجرین و سایر شهروندان مقرراتی متناسب با تحولاتی جدید ایجاد کنند که این مقررات امکاناتی برابر با سایرین برای مهاجرین بوجود آورده است. در کشورهای غربی قوه قضائیه نقش مهمی را در بوجود آوردن عدالت اجتماعی به عهده دارد. عدالت اجتماعی یکی از ارکان مهم همزیستی مسالمت‌آمیز و به‌وجود آمدن اعتماد و احترام و آرامش در جامعه است. در جامعه‌ای که قانون یکسان اجرا شده و با تمام آحاد و افراد به‌طور برابر رفتار می‌شود، امکان پیشرفت می‌تواند معنای ویژه‌ای داشته باشد. گاهی اوقات قانون آزادی را منحود می‌کند، ولی آزادی بی‌قانون می‌تواند ضررهای بیشتری را در یک جامعه انسانی باعث شود. قانون باید نوعی از تحریر فشار قرار گیرد و نه مستکبر بتواند از امکانات خود برای بهره‌جویی هر چه بیشتر در جامعه سوءاستفاده کند. قابل توجه است که تقریباً هفتاد سال قبل در ایران گویا رضا شاه بر این عقیده بود که روستری فقط یک تکه پارچه با یک گره می‌باشد که در هنگامی که بر سر زنان قرار می‌گیرد باعث جلوگیری از پیشرفت زنان در ایران می‌گردد! او با تدوین قانون کشف حجاب باعث شد که زنان اجازه نداشته باشند در اجتماع با حجاب ظاهر شوند ولی امروز، یعنی تقریباً هفتاد سال بعد از آن قانون کشف حجاب در ایران، دیوان عالی کشور آلمان گذشتن روستری را با قوانین مدرن دموکراسی متناسب دانسته و یک نوع پیشرفت اجتماعی به حساب می‌آورد. زیرا در یک جامعه‌ای که ادیان و مذاهب و نژادها و عقاید مختلف در کنار هم زندگی می‌کنند هر کس باید بتواند در چارچوب قانون پایبند به اعتقادات خود باشد و دولت نباید به‌زور اسباب‌ها را مجبور به پوشیدن و یا پوشیدن نوع بخصوصی از لباس کند. با تصمیم دیوان عالی کشور آلمان در رابطه با استخدام آموزگار فارسی‌زبان مسلمان با روستری، گام جدیدی در مبارزه با تعصبات نژادی و مذهبی برداشته شده که در آینده باعث تحولات جدیدی در رابطه با برخورد تمدن‌ها و ادیان خواهد بود.